**فایل شماره 1886 \_ سوره نور**

اگر روز معلوم شد که این شب جُنُب بوده است، این عیبی ندارد، چون جاهل بوده است، این روزه‌اش درست است ولی فراموش کرده است روزه‌اش باطل است یعنی اگر می‌دانست جُنُب است و فراموش کرد غسل بکند این روزه‌اش درست نیست چون نسیان است؛ پس در روزه هم عمدی‌اش مبطل است، هم نسیان و اما جهلش مبطل نیست، یعنی نمی‌دانست که جُنُب هست بعد فهمیده است و لذا خیلی خب پیش می‌آید برای افرادی که مثلاً در سن جوانی بوده‌اند و حالا نمی‌دانستند که جُنُب هستند، در حال جنابت است یا اصلاً غسلی می‌کرده، غسلش باطل بوده است فرض بفرماید بعد فهمیده است که باطل بوده است، خب این نمی‌دانسته است در حال جنابت است خیال می‌کرده است که همان غسلی که کرده است فرض بفرمایید این رافع جنابت بوده است. خب حالا چند سال مثلاً یادش دادند، فهمیده است که همه‌ی غسل‌هایش باطل بوده است مثلاً روزه‌ها در حال جنابت بوده است، روزه‌هایش درست است؛ اما نمازش نه دیگر، چون نمی‌دانسته است که جُنُب هست بقاء بر جنابتش عمدی نبوده است، خیال می‌کرده است که غسل کرده درست است دیگر و جاهل بوده است، اما نمازهایش درست نیست، بعد چند سال هم به همین کیفیت بوده است روزه‌هایش درست است ولی نمازهایش باطل است؛ برای اینکه این غسلش مثلاً باطل بوده است در جوانی مثلاً نمی‌تواند غسل کند، غسل می‌کرده است، فکر هم می‌کرده است درست است، ولی بعداً می‌فهمد که باطل است؛ اینجا نمازهایی که خوانده است در حال جنابت خوانده است دیگر، ما گفتیم که در حال جنابت چه عمدی باشد چه جهلاً باشد، چه نسیان هم باشد، باطل است؛ اما روزه‌ها را نه روزه‌ها را عمدی نبوده است، یعنی خیال می‌کرده که غسلش درست است دیگر و اینکه غسل درست است و خیال می‌کرده است که دیگر جُنُب نیست روزه‌ها را می‌گرفته و لذا این روزه‌ها در حال جنابت بوده است ولی چون جاهلاً بوده است روزه‌هایش درست است اما نمازش باطل است.

 پس این‌یک فرقی است میان نماز و روزه از جهت باقی بودن بر جنابت؛ روزه‌هایش چون جاهل بوده است به اینکه جُنُب است ولو چند روز هم روزه گرفته است یا سال‌ها بوده است فرض بفرمایید، این روزه‌هایش چون جاهل به بقاء بر جنابت بوده است، درست است اما نمازهایش باطل است، باید نمازهایش را اعاده کند. یک صلوات ختم کنید. «اللهم صلی علی‌محمد و آل محمد و عجل فرجهم»

« وَ لْيَسْتَعْفِفِ الَّذينَ لا يَجِدُونَ نِكاحاً حَتَّى يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ»[[1]](#footnote-1)

آیات شریفه‌ی که در هفته پیش عرض شد ذیل آیات مربوط به حجاب بود و دعوت به ازدواج، ترغیب به نکاح که آیات شریفه‌ی قرآن ترغیب به نکاح می‌کند «أَنْكِحُوا الْأَيامى‏ مِنْكُم»‏[[2]](#footnote-2) ایم ها را همسر بدهید یعنی مقدمات ازدواجشان را فراهم کنید. خب ترغیب کرده است به ازدواج، ترغیب کرده است به اینکه شما هم فراهم کنید مقدمات ازدواج دیگران را، هم آن‌ها که همسر ندارند، همسر بگیرند و دیگران هم وظیفه‌دارند که انکاح کنند، یعنی مقدمات نکاح دیگران را، ایم ها را فراهم کنند.

خب ما ترغیبات زیاد داریم دیگر «النِّكَاحُ‏ سُنَّتِي‏ فَمَنْ رَغِبَ عَنْ سُنَّتِي فَلَيْسَ مِنِّي»[[3]](#footnote-3) حالا به همین الفاظ یا غیر این به هر مضمون هست که نکاح روش رسول اکرم صلی‌الله علیه و آله هست و سنت اوست و اعراض از این سنت هم فرمود که انقطاع از من دارد و از من جداست یا «من‏ تزوّج‏ أحرز نصف دينه، فليتّق اللّه في النصف الباقي»[[4]](#footnote-4) بله نشان می‌دهد که یک قسمت عمده‌ی گناهان از همین مسئله جنسی نشئت می‌گیرد که کسی که ازدواج‌کرده است، همسر دارد، نصف دینش محفوظ است؛ یعنی نصف دین مثل اینکه با همین غریزه از بین می‌رود، نصف دین آدم در اثر همین مسئله ناپاکی دامن از بین می‌رود. آلودگی از جهت غریزه‌ی جنسی این‌قدر مؤثر است که نصف دین آدم را او از بین می‌برد. آن‌وقت نصف دیگرش با عوامل دیگر است، نصف دین آدم در اثر ازدواج محفوظ می‌ماند «من‏ تزوّج‏ أحرز نصف دينه» کسی که همسر دارد مثل‌اینکه نصف دینش محفوظ است. حالا از نصف دیگرش از جهات دیگر رعایت کند که تباه نشود. پس خیلی مطلب مهم است، ترغیب می‌کند به ازدواج هم اشخاص را و هم دیگران را، هم مقدمات را فراهم کنند؛ مقدمات ازدواج را و احادیثی که در این زمینه بوده است هفته پیش عرض شد که چقدر ترغیب شده است یک کلمه اگر کسی حرف بزند برای اینکه ازدواجی انجام بشود یا یک‌قدم بردارد که فرمودند به ازای هر یک‌کلمه‌ای که می‌گوید یا قدم برمی‌دارد، عبادت یک سال در نامه عمل او نوشته می‌شود این ترغیبات است بعد هم گاهی هم ممکن است خب نشود دیگر گاه پیش بیاید، حالا خودش کوشش می‌کند، دیگران هم‌دست به کار می‌شوند، ولی نمی‌شود، حالا گاهی این‌جور می‌شود که پیش نمی‌آید، فراهم نمی‌شود، حالا که فراهم نشد آیا آن جوان که برایش فراهم نشده است که ازدواج کند، خودش اقدام کرده است، دیگران اقدام کرده‌اند، نشده است، حالا چون نشده است آیا دیگر در آلودگی مُجاز است؟ یعنی دیگر عیبی ندارد که آلوده بشود؟ که انحراف پیدا کند؟ بهانه قرار بدهد این را که چون نشد است برای من، فراهم نشده است، اقدام کرده‌ام، کوشش کرده‌ام، حالا دیگر مثلاً از جهت انحراف آزادباشم؟

 نه که این آیه شریفه راجع به همین است «وَ لْيَسْتَعْفِفِ الَّذينَ لا يَجِدُونَ نِكاحاً» آن‌کسانی که برایشان فراهم نشد ازدواج کنند حالا این‌جور شد دیگر، مثل سایر کارها، آدم چه‌بسا مدام دنبال کسب‌وکار می‌دود این سمت و آن سمت، کارش رونق نمی‌گیرد در کسب‌وکارش. بله حالا این‌جوری می‌شود، گاهی هم انسان اقدام می‌کند خودش و دیگران ولی خب جوری است که فراهم نمی‌شود. خب حالا که فراهم نشده است این خیال نکند که حالا مجاز است، ضرورت دیگر اینجا هست و اگر هم مثلاً گناه کرد او را به گناهش نگیرند، نه اینطور نیست. وظیفه استعفاف دارد «الَّذينَ لا يَجِدُونَ نِكاحاً» آن‌کسانی که برایشان فراهم نمی‌شود، نمی‌توانند، به هر دلیلی نمی‌توانند ازدواج کنند این‌ها حق ندارند به آلودگی گرایش پیدا کنند. حالا به هر نحوی آلودگی، به هر جوری، چون در دین مقدس ما فقط یک‌راه ما داریم برای ارضاء غریزه‌ی جنسی همان راه ازدواج است و خب سابق «مَلَكَتْ أَيْمانُكُمْ»[[5]](#footnote-5) بوده است که برده‌ها بودند و مسئله خریدوفروش در کار بوده است، آن حسابش آن‌وقت بوده است حالا که نیست و لذا راه منحصر به ازدواج است. تنها راهی که در شرع مقدس بازشده است برای اینکه ارضاء غریزه‌ی جنسی بشود ازدواج است. غیر این ما نداریم. منتها ازدواج هم دو جور است: نکاح موقت و نکاح دائم دیگر. یکی مدت‌دار است و یکی بی مدت است، خب ولی در سایر شرایط خب باهم یک فرقی هم دارند دیگر، به‌هرحال این ازدواج تنها راهش است. غیر از راه ازدواج هیچ مسلمانی حق ندارد از طریقی ارضاء کند غریزه‌ی جنسی خودش را، حرام است، گناه بزرگ است و تنها منحصراً راه نکاح است و ازدواج است، حالا یا نکاح دائم یا نکاح موقت است و اگر نشد خب یک صحنه‌ی امتحانی برای انسان‌ها پیش می‌آید باید تحمل کند، باید صبر کند، خب صحنه امتحان در دنیا مشکل است دیگر، هرکسی یک‌جوری امتحانی دارد.

برای جوان‌ها هم یک امتحانش همین است. یک امتحان ولو دشوار هم باشد، بسیار خب هرچه هم امتحان دشوار باشد و انسان تحمل کند اجرش عظیم‌تر است، اجر بزرگ‌تری دارد و لذا این حدیث نقل‌شده است از رسول اکرم صلی‌الله علیه و آله که به این مضمون سه گروه از امت من حالا در بعضی از نقل‌ها تعبیر است که برادران من هستند یا سه گروه از امت من در آسمان مورد مباهات خدا قرار می‌گیرند در میان فرشتگانش، آن سه گروه یکی «امامٌ عادلٌ و تاجرٌ صدوقٌ و شابٌ عفیف»[[6]](#footnote-6) این سه گروه هستند یکی زمام دار دادگستر، فرمانروای عادل و دیگر تاجر راست‌گو و سوم جوان پاک‌دامن، جوان عفیف. خب این نشان می‌دهد که سه‌نقطه وجود انسان خیلی حساس است خیلی خطرناک است، این سه‌نقطه اگر چنانچه انسان مراقبت کند و به‌سلامت نگه دارد مورد مباهات در آسمان‌ها قرار می‌گیرد؛ یکی مال دوستی، یکی جاه‌طلبی، ریاست‌طلبی، یکی هم پاکی، ناپاکی، عفت، جوان عفیف خیلی پیش خدا ارزش دارد، تاجر راست‌گو و امام عادل، پیشوای عادل، زمام دار عادل، کسی به قدرت برسد و خود را نبازد راه ستم را پیش نگیرد، این خیلی هنر کرده است واقعاً مرد است. به قدرت برسد، از قدرت سوءاستفاده نکند «مَنْ‏ مَلَكَ‏ اسْتَأْثَرَ»[[7]](#footnote-7) نباشد چون حدیث است کسی که به سلطنت و حکومت برسد بعد برای خودش می‌طلبد و منافع خودش را تقدیم می‌کند، ترجیح می‌دهد اگر بتواند به قدرت برسد و به همان حال عدالتش باقی بماند بله این خیلی مرد است.

کسی به ثروت برسد راه پول درآوری فراوان برایش زیاد است می‌تواند از این را به آلاف و علوف برسد از راه ظلم و ستم، اگر چنانچه آتش‌بس بدهد به آن آتشِ پول طلبی‌اش، پول‌پرستی‌اش این واقعاً مرد است، یکی هم جوان در بحران غریزه‌ی جنسی در کوران غریزه‌ی جنسی اگر خودش را بتواند حفظ کند این خیلی هنر کرده است و این صحنه‌ی امتحانی پیش می‌آید برای جوان‌ها هرکسی صحنه‌ی امتحانی دارد، قدرتمند در قدرتش، ثروتمند در ثروتش، آن دانشمند در علم و دانش اش، جوان هم در همان کوران غریزه‌ی جنس اش باید مراقب باشد و لذا می‌فرمودند«لَا تَنْظُرُوا إِلَى طُولِ‏ رُكُوعِ‏ الرَّجُلِ وَ سُجُودِهِ»[[8]](#footnote-8) یعنی خیلی شما را نفریبد فلان آدم رکوع طولانی دارد، سجده‌های طولانی دارد این‌هاخیلی مهم نیست.

 «اعْتَادَه‏» این عادت کرده است به این کار. گاهی انسان عادت به کاری کرده است ترکش کند خودش ناراحت است، به خاطر اینکه ترک عادت کرده است، نه چون ترک عبادت کرده است «اعْتَادَه‏» عادت کرده است به این کار و لذا گاهی ناراحت می‌شود چون ترک عادت کرده است «وَ لَكِنِ انْظُرُوا إِلَى صِدْقِ حَدِيثِهِ وَ أَدَاءِ أَمَانَتِهِ»[[9]](#footnote-9) آن‌کسی که راست‌گو و امین است آن خیلی ارزش پیش خدا دارد، راست‌گو و امین، بله نمازخوان هست، روزه‌بگیر هست، اهل عبادت هست اما درعین‌حال آن نقطه‌ای که خیلی ارزش دارد پیش خدا همان نقطه‌ی صدق است وامانت «صِدْقِ حَدِيثِهِ وَ أَدَاءِ أَمَانَتِهِ» به‌هرحال آیه شریفه توجه به این می‌دهد که حالا اگر فراهم نشد «لا يَجِدُونَ نِكاحاً» جوان خیال نکند که حالا که چون برایش فراهم نیست پس تااندازه‌ای آزاد است مثلاً، با دیگران فرقی دارد آزاد است می‌تواند از یک‌راهی ارضاء کند غریزه‌ی جنسی‌اش را و او را مؤاخذه نمی‌کنند، این‌جور نیست نه دستور استعفاف دارد دنبال همان آیاتی که «وَ أَنْكِحُوا الْأَيامى‏ مِنْكُم»[[10]](#footnote-10) به بی‌همسر ها همسر بدهید، ایمّ ها را فراهم کنید مقدمات نکاحشان را، این آیه هم «وَ لْيَسْتَعْفِفِ» باید استعفاف کنند، باید، وظیفه است، لازم است استعفاف کنند، حفظ عفت کنند، ملازم عفت باشند «الَّذينَ لا يَجِدُونَ نِكاحاً حَتَّى يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ» تا اینکه خدا از فضل خودش آن‌ها را بی‌نیازشان کند.

بعد خب این قسمت عرض شده است سابق دیگر، ذیل آیه احادیثی داشتیم، این دنباله آیه «وَ الَّذينَ يَبْتَغُونَ الْكِتابَ مِمَّا مَلَكَتْ أَيْمانُكُمْ» ولو حالا مبتلابه ما نیست ولی خب برای اینکه آیه را ترجمه کرده باشیم و رد شده باشیم عرض می‌کنم «وَ الَّذينَ يَبْتَغُونَ الْكِتابَ» این مربوط به آن زمانی بود که بردگی بود، غلام و کنیز خب می‌خریدند، در دین مقدس هم برای آزادی آن‌ها خیلی مقدماتی دارد و سعی دارد، تأکید دارد که به هر بهانه‌ای و شرطی شده است آزاد بشوند. البته قانون بردگی نه اینکه منسوخ‌شده باشد در اسلام، نه خب هست و همیشه هم هست با شرایطش دیگر، اگر آن شرایط پیش آمد خب بازهم اسلام اجازه می‌دهد ما استرقاق کنیم دیگر، رقیّت و این‌ها، مثلاً اگر فرضاً با کفار، جنگی پیش آمد میان مسلمین و کفار و از کفار اسیر کردند خب می‌توانند استرقاق کنند همان‌که اسیر کردند رقیّت؛ تحت رقیّت درآورند، برده‌ی آن‌ها بشود دیگر، خب شرایطی دارد حالا به‌هرحال خودش یک بحث دنباله‌داری دارد وارد آن نمی‌شویم. به‌هرحال آقایان فقها در هر مبحثی که وارد می‌شوند این بحث عبید و اماء را هم دارند غلامان و کنیزان و بردگان، حالا بحثش را دارند یک بحث فقهی است که در هر بابی هم هست دیگر، این معلوم است که منسوخ که نیست؛ هست ولی شرایطش موجود نیست، اگر شرایطش بود خب بود، حالا دنیای تمدن می‌گوید ما نسخ کردیم، خب دروغ هم می‌گویند حالا، بردگی ملّی پیش آوردند خب ملت‌ها را برده می‌کنند، استعمار می‌کنند، بله این خیلی از بین نرفته است. اگر شخص را فرض کنید که حالا بردگی شخصی نباشد، بردگی ملی که هست که حالا به‌هرحال آن بردگی که اسلام هم امضاء می‌کند خیلی شرایط خوبی، عالی دارد که مانند یک برادر باهم رفتار می‌کنند. آن قانونی که اسلام دارد قانون عالی و آسمانی است و این‌ نیست که در ذهن ما هست که مثلاً غلام و کنیز بله خیلی در سطح پایین قرار دادن و ظلم و ستم به کار رفتن این‌ها نیست.

حالا شرایطی دارد، منظور اینکه در اینجا یکی از راه‌های آزادی آن‌ها را بیان می‌کند «وَ الَّذينَ يَبْتَغُونَ الْكِتابَ» کتاب در اینجا عقد مکاتبه است که در فقه هم داریم دیگر؛ یعنی آن برده با مولای خودش عقد کتابت و مکاتبه قرار می‌داد، قراردادی می‌کرد که من آزاد باشم بروم کارکنم و هر چه بوده است به شما بدهم، قیمت خودم را به شما بدهم، آزاد بشوم. این‌یک عقد مکاتبه‌ای بود که این آیه به آن مطلب اشاره هست.

 عقد مکاتبه که در فقه هم ما داریم یک باب وسیعی هم دارد؛ یعنی مثلاً این غلامی که قیمتش مثلاً صد تومان بوده است مثلاً این آزاد می‌شود، یعنی می‌رود کار می‌کند و بعد هر چه بود پولش را به مولا می‌دهد. صد تومان که داد به او آزاد می‌شود، می‌شود مستقل؛ که آیه اشاره به این است اگر آن برده‌ها با شما که مولایشان هستید عقد کتابت برقرار می‌کنند قبول کنید و دیگران هم اگر دیدید که او نمی‌تواند ادا کند قیمت خودش را به او کمک کنید از سهم زکات هم داریم «فِي الرِّقاب‏»[[11]](#footnote-11) که از مصارف زکات هستند یکی همین است که از زکات هم داده بشود به این‌ها که بتواند ادا کنند قیمت خودش را آزاد بشود که از بیت‌المال داده بشود، از سهم زکات داده بشود.

خواستم این‌جور معنی آیه ترجمه‌شده باشد «وَ الَّذينَ يَبْتَغُونَ الْكِتابَ مِمَّا مَلَكَتْ أَيْمانُكُمْ»[[12]](#footnote-12) از آن برده‌های که مملوک شما هستند اگر تقاضا کردند از شما که عقد مکاتبه‌ای برقرار بشود «فَكاتِبُوهُمْ» شما هم با آن‌ها عقد مکاتبه برقرار بکنید، قبول کنید تقاضای آن‌ها و کار کنند، بیاورند به شما بدهند و به قیمت خود آزاد بشوند «إِنْ عَلِمْتُمْ فيهِمْ خَيْراً»[[13]](#footnote-13) شاید اشاره به این باشد که اگر جوری است که می‌توانند مستقلاً زندگی کنند حالا گاهی اگر برده‌ای که آزاد نشده باشد، خب خوب است بالاخره اداره می‌شود و درست است اگر آزاد بشود آدم مثلاً شیادی از آب درمی‌آید و بیکار می‌شود که کَل بر جامعه می‌شود، گدا می‌شود مثلاً، در زمره گداها درمی‌آید، نه این‌جور نباشد «إِنْ عَلِمْتُمْ فيهِمْ خَيْراً» اگر می‌دانید که نه می‌توانند، رشدی دارند، صلاحی دارند، شایستگی دارند خودشان را اداره کند عیبی ندارد «وَ آتُوهُمْ مِنْ مالِ اللَّهِ»[[14]](#footnote-14) از همان مال خدا و بیت‌المال یا از همان سهم زکات به آن‌ها بدهید«الَّذي آتاكُمْ» تا آخر آیه که حالا بقیه‌اش هم می‌ماند.

 «وَ لَقَدْ أَنْزَلْنا إِلَيْكُمْ آياتٍ مُبَيِّناتٍ»[[15]](#footnote-15) بعد می‌فرماید که خلاصه گیری که ما در این مطالب آیاتی که روشن کند بر شما مطلب را نازل کرده‌ایم آن‌که احکام مبیّن شده است «وَ مَثَلاً مِنَ الَّذينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ‏»[[16]](#footnote-16) سرنوشت دیگران را هم به شما نشان دادیم در قرآن، آن‌های که تخلف کردند به چه بدبختی افتادند و آن‌های که مطیع بودند چقدر به سعادت رسیدند قصه‌ها گفتیم، سرنوشت ملت‌های گذشتگان را بیان کردیم «مَوْعِظَةً لِلْمُتَّقين‏» و هم پند و اندرز برای انسان‌های متقی و پرهیزکار و یک جمله هم در آخر آیه «وَ قُلْ لِلْمُؤْمِناتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصارِهِنَّ»[[17]](#footnote-17) داشتیم آن آیه بعدازاینکه مسئله حجاب بیان‌شده است آخرش «تُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَميعاً أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُون‏»[[18]](#footnote-18) شما بخواهید به سعادت و رستگاری برسید باید ای مسلمانان توبه کنید. منظور خطاب «أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ» شده است جمیعاً خطاب جمع است. ذیل آیه حجاب است «تُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَميعاً أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ» همه باهم توبه کنید معلوم می‌شود، این می‌شود ازش فهمید که مسئله بی‌حجابی یک گناهی است که برای عموم مردم گناه تولید می‌کند نه برای شخص باشد. اگر زن‌ها بی‌حجاب باشند در یک محیطی اصلاً برای همه مردم موجبات معصیت فراهم می‌شود. این گناهی است که اجتماع را به فساد می‌کشاند«تُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَميعاً‏» ذیل آیه است «قُلْ لِلْمُؤْمِنينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصارِهِم...‏\* قُلْ لِلْمُؤْمِناتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصارِهِنَّ» بعد هم«وَ لا يُبْدينَ زينَتَهُن‏»[[19]](#footnote-19) آیه زیاد داشتیم دیگر، محارم را استثناء کرده‌اند و زن‌ها باید خودشان را بپوشانند و مردها هم نگاه نکنند آخرش «تُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَميعاً أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ» همه باهم توبه‌کار باشید یعنی معلوم می‌شود بی‌حجابی یک گناه اجتماعی پیش می‌آورد، انحراف همگانی پیش می‌آورد و لذا توبه همگانی لازم است.

 باید همه باهم توبه‌کار بشوند، کاری کنند به گناه نیفتند. خب معلوم است در یک محیطی که زن‌ها، دخترها بی‌پروا جلوه کنند، با رفتار و گفتار تحریک‌آمیز خودشان، هیجان در دل‌ها به وجود بی آورند، خب افرادی که مریض القلب هم زیاد هم هستند دیگر، بیماردلان شهوت‌آلود خب زیاد هستند. این طبیعی است که وسوسه می‌کند شیطان هر جور باشد بالاخره کسی سالم نمی‌ماند. در یک چنین محیطی که زن‌ها بی‌پرده با مردها مختلط باشند بگویید یکی سالم بماند، نمی‌ماند به‌هرحال این‌یک جوری، یک وسوسه‌ای در خاطرش پیدا می‌شود. همین وسوسه‌ی شیطانی او را ناقصش می‌کند، ظلمت درونش ایجاد می‌کند، او را از خدا دور می‌کند آن قداست روحی را از بین می‌برد. ما نیازمند به قداست روحی هستیم، ما خیلی سبک گرفتیم مطلب را خیلی واقعاً. ما الآن حالا به قول خودمان انقلاب اسلامی کردیم و باهم خواهر و برادر مسلمان هستند دیگر، چقدر اختلاط موجب فساد می‌شود و گاهی بنده عرض می‌کنم اصلاً این کلمه‌ی خواهر و برادر این‌یک قدری شبهه برانگیز شده است، خیال می‌کنند واقعاً خواهر و برادرند اصلاً این‌جوری شده است، خب خیال می‌کنند، باهم خواهر و برادرند عیبی ندارد مثلاً

 خب این اگر بگوییم بانوان وآقایان این سالم‌تر است تا بگوییم خواهران و برادران برای اینکه شبهه انگیز است. حالا با گفتن ما این‌ها که خواهر و برادر نمی‌شوند باهم دیگر و محبت هم به هم ندارند، این‌جور نیست حالا چون برادر بشویم باهم محبت داریم؟ حالا در اینجاهایی که به هم مراجعه می‌کنیم، سروکار داریم، برادر هستیم همه با همدیگر؟ یعنی کلاه سر هم نمی‌گذاریم در معاشرتمان، در معاملاتمان، در مراجعاتمان، برادر هستیم واقعاً؟ یا خیر، یک‌لفظ برادری یک خواهری می‌گوییم این لفظ خیلی اثری ندارد الا اینکه گاهی اثر شبهه‌ای هم دارد که خیال می‌کنند باهم محرم هستند دیگر، عیبی ندارد این‌ها خطر هم دارد دیگر و لذا این‌گونه اختلاط میان مردها و زن‌ها تنها یک روسری که کار را درست نمی‌کند که تنها یک روسریِ نیمه‌ای هم سرش انداخته باشد فرض بفرماید و بعد هم چهره‌ باز.

خب آن شب عرض شد آن چهره‌ای که اگر بعضی گفته‌اند که وجه و کفین، مستثنا است عیبی ندارد، نگاه یا صدرش آن عرض شد در آن محیطی که تلذذ در کار نباشد، بله اگر شما آوردید یک محیطی درونش تلذذ نیست، نگاه به همدیگر تلذذ ندارد عالی است؛ چون دو تا مرد این‌جور به همدیگر نگاه می‌کنند اگر این محیط پیش آمد آنجا آن بحث پیش می‌آید که آیا نظر مثلاً به‌صورت زن جایز است یا جایز نیست؟ آنجا پیش می‌آید که بعضی بگویند جایز نیست، بعضی بگویند مثلاً جایز هست، آنجا پیش می‌آید. نه در محیطی که اصلاً تلذذ است مردهای بی‌زن زیاد هستند، زن‌های بی‌شوهر زیاد هستند، در حال التهاب هستند اگر این‌ها باهم مواجهه بشوند، زن‌ جوان با مرد جوان هیچ با همدیگر واقعاً، دل را زیروزبر نمی‌کند؟ می‌گوید دل ببرد زیروزبر می‌شود، واقعاً نمی‌شود این‌جوری یعنی هیچ اثری ندارد اگر بود، اگر چنین محیطی بود که تلذذ در کار نبود، ریبه ای در کار نبود بسیار خب، بگوید مثلاً فقیهی دستور داده باشد که جایز است، مستثنا است برای آنجا گفته‌اند و الا هیچ فقیهی شما پیدا نمی‌کنید هیچ فقیهی که گفته باشد در محیطی که تلذذ باشد، ریبه باشد، آنجا هم وجه و کفین مستثنا است، هیچ‌کس نگفته است. شما اگر آوردید یک فقیهی این‌جور گفته باشد که در محیط ریبه و تلذذ هم وجه و کفین مستثناست این را نگفته‌اند در غیر ریبه و تلذذ است، آن‌وقت محیط‌ ما، آیا تلذذ نیست واقعاً در محیط‌ ما؟ یعنی عرض شد جوان‌ها، مردها، زن‌ها، دخترها به هم می‌رسند هیچ احساسی در خودشان نمی‌کنند؟ نمی‌شود، مگر کسی دروغ بگوید، بگوید من احساس نمی‌کنم؛ و لذا فرمود: «كَيْفَ‏ بِكُمْ‏ إِذَا فَسَدَتْ‏ نِسَاؤُكُمْ وَ فَسَقَ شَبَابُكُمْ»[[20]](#footnote-20) چه خواهد شد؟ چه بلایی سرتان خواهد آمد؟

«كَيْفَ‏ بِكُمْ‏ إِذَا فَسَدَتْ‏ نِسَاؤُكُمْ وَ فَسَقَ شَبَابُكُمْ وَ لَمْ تَأْمُرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ لَمْ تَنْهَوْا عَنِ الْمُنْكَر» چه خواهید کرد که زنان و مردانتان کم‌کم رو به فساد بروند؟ امربه‌معروف هم نکنید نهی از منکر هم نکنید؟ و بعد گفتند می‌شود یا رسول‌الله که این‌جور بشود فرمود «نَعَمْ وَ شَرٌّ مِنْ ذَلِكَ»[[21]](#footnote-21) بدتر از این هم می‌شود «كَيْفَ‏ بِكُمْ‏ إِذَا أَمَرْتُمْ‏ بِالْمُنْكَرِ وَ نَهَيْتُمْ عَنِ الْمَعْرُوفِ»[[22]](#footnote-22) جوری بشود که به منکر امر کنید و از معروف نهی کنید؛ بعد گفتند آقا مگر می‌شود همچنین چیزی میان مسلمان‌ها؟ «قَالَ نَعَمْ وَ شَرٌّ مِنْ ذَلِكَ» از این بدتر «إِذَا رَأَيْتُمُ الْمَعْرُوفَ مُنْكَراً وَ الْمُنْكَرَ مَعْرُوفاً»[[23]](#footnote-23) اصلاً جوری بشود که بدی‌ها را خوب ببینید اصلاً خب ببینید، یک‌جوری بشود که بله آن‌وقت تلویزیون چشم‌ها را کور می‌کند، حالا روشن می‌کند مثلاً، حالا بر فروغ چشم‌ها می‌افزاید آن‌وقت اگر نگاه به تلویزیون می‌کردیم کور می‌کرد چشم‌ها را مثلاً، یا آن‌وقت بود که مثلاً موسیقی حرام بود و بعد هم شیطانی بود؛ حالا نه حالا مقرب است مثلاً، به خدا نزدیک می‌کند اصلاً ثواب عبادت هم دارد چه جوری است؟ ما حالا برفرض گرفتیم آقا که موسیقی حلال باشد، فرض گرفتیم حلال باشد، مگر هر حلالی با هر چیزی مناسب است؟ با قرآن مناسب است؟ یعنی قرآن بخوانیم دنبالش هم موسیقی باشد مثلاً، یا حدیث بخوانید، روایت بخوانید، دنبالش هم موسیقی هم باشد. بسیار خب حلال، فرض گرفتیم حلال، هر چیزی تناسبی می‌خواهد، مناسبتی می‌خواهد. وقتی شما پخش می‌کنید قرآن را، پخش می‌کنید دعا و مناجات را، پخش می‌کنید، اشعاری در فضایل اهل‌بیت علیهم‌السلام دیگر همراهش موسیقی نداشته باشید، حالا باز حلال هم باشد مناسبش نیست، تناسب ندارد و هر چیزی تناسبی می‌خواهد داشته باشد باهم دیگر، تناسب ندارد ما مثل‌اینکه از هول حلیم توی دیگ می‌افتیم، معروف این‌جوری است، خیال کردیم حالا که مثلاً برفرض موسیقی حلال، دیگر همه‌جا حلال است، حتی با قرآن هم داشته باشیم، با دعا هم داشته باشیم که این‌ها، خب این هتک حرمت می‌شود و لذا نباشد که منکر را معروف ببینید و معروف را منکر ببینید، اگر این باشد«لَيَفْتَحَنَّ اللَّهُ عَلَيْكُمْ‏ فِتْنَةً» خداوند کم‌کم درِ فتنه را چنان به روی شما باز می‌کند که «تَتْرُكُ الْعَاقِلَ مِنْكُمْ حَيْرَانَ» عاقل‌ها را متحیر می‌کند آن‌های که می‌خواهند دیگر مدام فکر می‌کنند چکار بکنیم؟ اندیشه کنند، اصلاح کنند، متحیر می‌مانند «تَتْرُكُ الْعَاقِلَ مِنْكُمْ حَيْرَانَ ثُمَّ لَيُسَلِّطَنَّ اللَّهُ عَلَيْكُمْ شِرَارَكُمْ فَيَدْعُو خِيَارُكُمْ فَلَا يُسْتَجَابُ»[[24]](#footnote-24) مدام خوبانتان دعا می‌کنند دیگر اجابت هم نمی‌شود دیگر خدا هم شما را اجابت نمی‌کند «ثُمَّ مِنْ وَرَاءِ ذَلِكَ عَذَابٌ أَلِيمٌ‏» بله دعاهایتان مستجاب نمی‌شود تا بیفتید به دامن عذاب دردناک. حالا عذاب دردناک در دنیا دامن ما را بگیرد و به‌اضافه در آخرت هم بگیرد دیگر، خلاصه این تحذیر است هشدار است، مراقب باشید به اسلام توهین نکنید، هتک حرمت نکنید همه‌چیز را در جای خودش در حق خودش نگه‌دارید که نکند آن فتنه پیش بیاید که آن‌وقت دعای خوبانتان مستجاب نشود.

پروردگارا به حرمت قرآن کریم و عترت طاهره علیهم‌السلام به همه‌ی ما توفیق عمل به وظیفه عنایت بفرما

علماً و عملاً ما را موفق بگردان

پروردگارا گناهان ما را بیامرز

توفیق توبه نصوح به همه‌ی ما عنایت بفرما

مشکلات زندگی ما را حل بفرما

مشکلات دینی و دنیوی ما را حل بفرما

حسن عاقبت به همه ما عنایت بفرما

رحم الله من قرأ الفاتحه مع الصلوات

«اللهم صلی علی‌محمد و آل محمد و عجل فرجهم»

1. **. سوره نور، آیه 33** [↑](#footnote-ref-1)
2. **. همان، آیه 32** [↑](#footnote-ref-2)
3. **. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج‏100، ص 220** [↑](#footnote-ref-3)
4. **. ابن‌بابویه، محمد بن على، المقنع (للصدوق)، النص، ص 301** [↑](#footnote-ref-4)
5. **. سوره نور، آیه 33** [↑](#footnote-ref-5)
6. **. بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج‏100، ص 4؛ ثَلَاثَةٌ يُدْخِلُهُمُ اللَّهُ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ إِمَامٌ عَادِلٌ وَ تَاجِرٌ صَدُوقٌ‏ وَ شَيْخٌ أَفْنَى عُمُرَهُ فِي طَاعَةِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَل‏** [↑](#footnote-ref-6)
7. **. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، ج 74، ص 43** [↑](#footnote-ref-7)
8. **. شيخ حر عاملى، محمد بن حسن، وسائل الشيعة؛ ج‏19؛ ص 68** [↑](#footnote-ref-8)
9. **. همان** [↑](#footnote-ref-9)
10. **. سوره نور، آیه 32‏** [↑](#footnote-ref-10)
11. **. سوره بقره، آیه 177** [↑](#footnote-ref-11)
12. **. سوره نور، آیه 33** [↑](#footnote-ref-12)
13. **. همان** [↑](#footnote-ref-13)
14. **. همان** [↑](#footnote-ref-14)
15. **. همان، آیه 34** [↑](#footnote-ref-15)
16. **. همان،** [↑](#footnote-ref-16)
17. **. همان، آیه 31** [↑](#footnote-ref-17)
18. **. همان** [↑](#footnote-ref-18)
19. **. همان، آیه 30-31** [↑](#footnote-ref-19)
20. **. كلينى، محمد بن يعقوب، الكافي (ط - الإسلامية) ج‏5؛ ص 59** [↑](#footnote-ref-20)
21. **. همان** [↑](#footnote-ref-21)
22. **. همان** [↑](#footnote-ref-22)
23. **. همان** [↑](#footnote-ref-23)
24. **. همان** [↑](#footnote-ref-24)